

ایران در همه دولت‌ها، مسئولان و مدیران در بیوت مراجع حاضر می‌شوند و ضمن ارائه گزارش، میان مراجع و این مدیران و مشخصاً رؤسای جمهوری گفت‌وگویی هم درمی‌گیرد. گزارش‌های این ملاقات‌ها اغلب رسمی است؛ یعنی پس از دیدار رؤسای جمهوری با مراجع، ما فقط اخبار و گزارش‌ها را بر مبنای رسمی‌ای می‌خوانیم. آیا واقعاً این گونه است یا نوع مواجهه مراجع با مسئولان و مدیران متفاوت است و غیر از حرف رسمی، به مباحث جزئی‌تر هم پرداخته می‌شود؟

طبیعی است که این دیدارها جهت‌ها و ابعاد مختلفی داشته باشد. گاهی مباحث رسمی است و گاهی هم دوستانه و صمیمی، حتی نوع گفتار مراجع در دیدارها هم متفاوت است، گاه مسائل با حب و محبت مطرح می‌شود و گاه با نگرانی و حتی با غضب؛ بویژه آیت‌الله جوادی‌آملی که چون یک زندگی واقعی و حقیقی دارند، واقعیت برای ایشان اول و آخر است و سعی می‌کنند سخنان خود را بر مبنای تشخیص‌شان بیان کنند. لذا طبیعی است که در این گفت‌وگوها و مذاکرات، گاهی اظهارات تندی داشته باشند و بعضاً هم این اظهارات را با نگرانی مطرح می‌کنند. زمانی که نمازهای جمعه قم را اقامه می‌کردند، چند بار گفتند وقتی مسئولان می‌آیند، پس از بیان حرف‌های عمومی، گاهی سخنانی می‌گویم که تحملش برای جامعه آسان نیست. منظور ایشان این بود که ما با نگاه به مشکلات، سختی‌ها و مصایب که در جامعه هست، در دیدارها مطالبی را مطرح می‌کنیم که بیان عمومی آن ممکن نیست. خدا رحمت کند مرحوم آقای رئیسی را. در دیداری که با آیت‌الله جوادی‌آملی داشتند، مطالبی مطرح شد که -صادقانه عرض کنم- دست ما برای انتشار کامل یا حتی جزئیات این مطالب باز نبود. اجازه ندادند مطالبی که آیت‌الله جوادی‌آملی به مرحوم آقای رئیسی گفتند به صورت علنی منتشر شود. البته سخنان آیت‌الله جوادی‌آملی خطاب به شخص مرحوم رئیسی نبود، بلکه ناظر بر موقعیت حکومت و حکمرانی بود. ما در دفتر، بشدت در معرض این بودیم که این سخنان را منتشر نکنیم. با رسانه ما هم برخورد شد که مناسب نیست آن را منتشر کنید و ما هم برای حفظ برخی جوانب و احتیاط، مطلب را منتشر نکردیم.

ایران دغدغه‌های آیت‌الله جوادی‌آملی در این جلسه با مرحوم رئیسی ناظر بر چه بود؟ درباره مشکلات اقتصادی کشور بود.

ایران نوع تندی جلسه چگونه بود و این مشکلات از سوی آیت‌الله جوادی‌آملی چگونه بیان شد؟ بحث‌ها به گونه‌ای نبود که مثلاًآن طور که عاصه می‌گویند، بگوئیم زد و خوردی بوده است. بالاخره حرف‌ها به گونه‌ای بود که نمی‌شد علنی کرد. این اتفاق فقط هم به آیت‌الله جوادی‌آملی اختصاص نداشت. حالا که اصرار دارید بدانید، واقعیت این است که رسانه رسمی، عکس و فیلم خبر رسمی این ملاقات‌ها را نشان می‌دهد که مثلاًآیت‌الله جوادی‌آملی با رؤسای قوا دیدار داشته‌اند، اما آنچه به عنوان سخنان رد و بدل شده در این دیدارها در رسانه رسمی منتشر می‌شود، لزوماً همان حرف‌هایی نیست که در دیدارها مطرح شد. گاهی هم مطالب منتشر شده در رسانه رسمی، مطالبی است که خود رسانه درج و منتشر می‌کند، درحالی که واقعیت متفاوت است. مردم هم با شنیدن و خواندن این اخبار رسمی، فکری نمی‌کنند آقایان مراجع واقعیت‌ها را به دست‌نشان نمی‌گویند. ای کاش همان طور که الان فرمانیاشات رهبر معظم انقلاب را بدون پرده‌پوشی یا ملاحظه‌ای منتشر می‌کنند، اخبار و گزارش دیدار مسئولان با مراجع هم به صورت مکشوف منتشر می‌شد تا جامعه می‌فهمید مواضع آقایان که با مسئولان سخن می‌گویند چگونه است.

ایران همین جمله شما را که گفتید کاش محتوای این دیدارها به صورت مکشوف منتشر می‌شد، بی‌بگیریم. یکی از موضوعاتی که نسبت به مراجع مطرح است، اینکه در دولت آقای روحانی، آقایان مراجع از وضع معیشتی مردم و اقدامات دولت انتقاد می‌کردند، اما در سه سال ریاست جمهوری مرحوم رئیسی این لحن فروکش کرد و کمتر شاهد انتقاد علنی مراجع بودیم. برای جامعه این تفاوت به این معنی بود که آقایان مراجع نسبت به رؤسای جمهوری یا مشکلات مردم براساس یک رویکرد سیاسی عمل می‌کنند، اما شما می‌فرمایید...

اطلاعات دیدارها در اسناد بیوت مراجع عظام موجود است. اگر قرار باشد روزی گفته‌ها و محتوای ملاقات‌های مراجع منتشر شود و همه مطالب آن طوری بیان شود که در جلسات بیان شد، مشخص می‌شود که طرح چنین سخنانی خطاب به مرحوم رئیسی فقط اختصاص به آیت‌الله جوادی‌آملی ندارد. دیگر مراجع و بزرگان حوزه هم این‌گونه هستند. برای همین است که گاهی بیوت مراجع ناچار می‌شوند این‌طور بگویند که آنچه منتشر شد، دقیقاً صحبت‌های جلسات نبوده است؛ کما اینکه دیدیم این‌بار در مورد بیت آیت‌الله مکارم‌شیرازی این‌گونه بود. حتی در ارتباط با مرحوم آیت‌الله صافی (رضوان‌الله علیه)، دیدیم که بخشی از اظهارات منتشر شده ایشان از نگاه بعضی‌ها مطلوب نبود. واکنش به سخنان مرحوم آیت‌الله صافی،

هم از سوی عده‌ای شناخته شده بود و هم از سوی کسانی که مسئولیت رسانه‌ای رسمی دارند. بنابراین شرایط به گونه‌ای نیست که بتوان همه مطالب آقایان مراجع در این نوع ملاقات‌ها را منتشر کرد. برای کاوش بیشتر، حتی می‌توان آن را به صورت یک پروژه پژوهشی دنبال کرد که آنچه در این گفت‌وگوها از ناحیه بزرگان و مراجع مطرح می‌شود، آیا همان است که از سوی مراکز رسمی اعلام می‌شود یا نه، فرمایشات آقایان مراجع طور دیگری بوده است؟

ایران گفته می‌شود در دولت دوم آقای احمدی‌نژاد که شکاف‌ها یا آنچه برخی مطرح کرده‌اند- انحراف اطرافیان ایشان مشخص شد؛ مراجع و بزرگان حوزه، حتی مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی هم از آقای احمدی‌نژاد فاصله گرفتند. درباره آیت‌الله جوادی‌آملی هم گفته می‌شد میان رؤسای جمهوری، آقای احمدی‌نژاد بود که آیت‌الله جوادی‌آملی از زمانی به بعد دیگر نخواستند ایشان را ببینند، آیا این‌گونه بود؟ بله، این‌گونه بود. سال ۱۳۸۸ یعنی سال اول دوره دوم ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد، قضایی بود که مراجع اجازه دیدار دادند، اما از سال دوم ریاست‌جمهوری ایشان، تقریباً همه مراجع اجماع کرده بودند که ایشان را به بیوت راه ندهند. البته فشار بر مراجع بسیار زیاد بود که این مانع درداشتن ملاقات انجام شود. خاطرم هست روزی استاد (آیت‌الله جوادی‌آملی) با سردرده آمدند. علت را از ایشان جویا شدیم، گفتند فشارها برای اینکه دیدار حتماً انجام شود خیلی زیاد بوده است، اما آقا (آیت‌الله جوادی‌آملی) در پاسخ به آن فشارها فرمودند انجام این دیدار ضرورتی ندارد، چون ما مطالب خودمان را بیان کردیم، اما وقتی اصرار زیاد شد، آقا فرمودند اگر اجماع مراجع مبنی بر انجام دیدار باشد، ما هم دیداری می‌کنیم و وقتی چنین اجماعی ایجاد نشد، دیدار آقای احمدی‌نژاد و استاد (آیت‌الله جوادی‌آملی) هم برگزار نشد.

ایران منشأ این ممانعت اظهارات آقای احمدی‌نژاد در محضرآیت‌الله جوادی‌آملی در مورد هاله نور بود یا دلایل دیگری داشت؟ خیر، اینها (ماجرای هاله نور) چیزهای جزئی است. سیاستی که ایشان (احمدی‌نژاد) رسماً دنبال می‌کرد، سیاستی نبود که دین و دینات و فرهنگ دینی بویژه فرهنگ حوزوی بتواند آن را تحمل کند.

ایران چه نوع سیاستی بود؟ نوع تعامل و بیاناتی که ایشان در اظهاراتشان داشتند و به اصطلاح تندروی‌هایی که بود. در مورد اصل انتخابات هم مسأله جای بحث و گفت‌وگو داشت، یا شخصیت‌هایی که در این رابطه رنجیده شدند. نه تنها از این شخصیت‌ها دلجویی نشد بلکه بر مبنای خس و خاشاک با آنان برخورد شد و این امر بخش زیادی از جامعه را بسیار نگران کرد. در سال اول دور دوم ریاست‌جمهوری ایشان، شرایط به گونه‌ای بود که استاد ایشان را پذیرفتند، اما تا آخر دوره، آقای احمدی‌نژاد دیگر هیچ‌وقت به طور رسمی به قم نمی‌آمد. در قانون اساسی برای ریاست‌جمهوری جایگاه بزرگ و مهمی دیده شده است. حضرت استاد (آیت‌الله جوادی‌آملی) بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ نکات مهمی را در نماز جمعه فرمودند؛ یکی این بود که شورای نگهبان باید دقت بیشتری داشته باشد تا فردی که می‌خواهد در این جایگاه قرار بگیرد، به گونه‌ای نباشد که چندی بعد در مجلس استیضاح شود.

ایران اشاره شما به انتخابات ۱۳۸۸ و قایع پس از آن است؟ بله. منظور حضرت استاد در نماز جمعه این بود که رسالت و مسئولیت شورای نگهبان، ایجاب می‌کند شرایط به گونه‌ای فراهم نشود که فقط این چهار نفر دیده شوند، بلکه شورای محترم نگهبان باید اقتضات کشور را لحاظ کند، سوابق افراد را ببیند و آینده و مسیر کشور را در نظر بگیرد، نه اینکه چند نفر بیایند و آمار بدهند که این افراد خوب هستند و دیگران بد. آیت‌الله جوادی‌آملی می‌فرماید وقتی فقیه، حکمی می‌دهد، به همه این جوانب نگاه می‌کند؛ یعنی علاوه بر نگاه کردن به منابع فقهی صدور حکم، ارزیابی می‌کند که به عنوان یک فقیه، می‌خواهم این حق و احکام را در جامعه پیاده کنم. این بررسی به این دلیل اهمیت دارد که فقیه با اینکه متولی فقه است، متولی جامعه هم هست. نکته دیگری که استاد در نماز جمعه مطرح کرد این بود که آن فردی که می‌خواهد در کرسی ریاست‌جمهوری بنشیند، شخصیت دوم کشور خواهد بود، اما شما می‌خواهید فردی را بیاورید که نه قانون را می‌شناسد و نه قضا، نه مجلس و نه قوه قضائیه و قرار گرفتن چنین فردی در این جایگاه بسیار مخاطره‌آمیز است.

ایران بنا به این ملاحظات، آیا آیت‌الله جوادی‌آملی برای آقای احمدی‌نژاد تعبیر خاصی می‌داشتند، چون آن زمان این جریان به جریان انحرافی معروف شده بود؛ آیا تعبیر دیگری هم مطرح می‌شد؟ خیر. اگر حضرت استاد مطلبی داشتند، آن را در سخنان خود مطرح می‌کردند. درباره شخص آقای احمدی‌نژاد تعبیری مطرح نکردند. استاد دون آن می‌دانستند که دربار افراد صحبت کنند. برخی از جایگاه‌ها طلبه است و بعضی‌ها حق الناس و برخی هم هر دو. وقتی مسئولیت و صندلی‌ای را به یک فرد می‌دهید، این سمت حق‌الله و

حق الناس است. آیت‌الله جوادی‌آملی هنگام انتخاب آقای احمدی‌نژاد به شورای نگهبان فرموده بودند شما فردی را انتخاب کنید که بتواند نماینده مراجع هم باشد؛ یعنی آقایان مراجع باید به فردی رأی دهند که در عرصه ملی و فراملی بتواند دیدگاه‌های حوزه را هم نمایندگی کند. آیا ایشان کسی است که بتواند اندیشه‌های بلند شخصیت‌های علمی، دانشگاهی، فقهی و حوزوی را در حوزه بین الملل نمایندگی کند و آیا آنقدر توانایی فکری دارد؟ صحبت استاد این بود. چندین بار از آیت‌الله جوادی‌آملی شنیدم که گفتند به شورای نگهبان گفته‌اند شما چند نفر را انتخاب کنید که اقل‌ا وقتی مراجع دارند رأی می‌دهند، بدانند به چه کسی رأی می‌دهند. ایشان می‌گفتند شما فکر می‌کنید فقط تعدادی که همراه شما هستند باید رأی دهند؟ از آن طرف می‌گویند شرکت در انتخابات فرض لازم نظام جمهوری اسلامی است، آقایان مراجع هم برای رأی دادن تشریف می‌آورند، اما آیا از میان این نامزدها کسی می‌تواند از اندیشه‌های بلند شخصیت‌های علمی و دانشگاهی دفاع و نمایندگی کند؟

ایران در صحبت‌ها اشاره کردید مراجع از جمله آیت‌الله جوادی‌آملی در ملاقات‌های خود صریح و شفاف و گاهی با نارا حتی مطالب خود را مطرح می‌کنند. قانون عفاف و حجاب مسأله‌ای است که امروز بسیار مطرح است. شما می‌گویید فقیه علاوه بر تولی فقه، متولی فقه در جامعه هم هست. سؤال این است، فکرمی‌کنید موضع مراجع در مورد قانون عفاف و حجاب چگونه است؛ بویژه اینکه آیت‌الله محقق داماد نامه‌ای به مراجع نوشته و آنان را خطاب قرار داده‌اند که جلوی اجرای آن را نگیرید؟

پاسخ‌ها هموماً دارای درجاتی است و هر پاسخ در هر سطحی برای هر حوزه‌ای و هر فردی، یک معنایی دارد. گاهی اوقات سکوت، خود یک پاسخ است. گاهی نوع ادای بحث هنگام بیان مسائل فقهی، یک پاسخ است. مثلاً حضرت استاد (آیت‌الله جوادی‌آملی) در دیدارهای اخیر و اساساً این‌گونه می‌فرمودند که اگر یک شبهه فرهنگی پیش آمد، باید با کار و نظام فرهنگی به آن پاسخ داد و مسأله فرهنگی با بگیر و ببند حل نمی‌شود. ایشان زیاد این تعبیر را به کار برده‌اند که با بگیر و ببند نمی‌توان با مسائل فرهنگی برخورد کرد. بنابراین، این جواب آیت‌الله محقق داماد است. گاهی افراد فکر می‌کنند پاسخ به این نامه‌ها باید مستقیم باشد، اما این‌طور نیست. گاهی این فکر «به‌قلم» آیت‌الله محقق داماد می‌آید و گاهی هم «به بیان» آیت‌الله جوادی‌آملی. همین اصرار برخی بر اجرای قانون عفاف و حجاب و در مقابل عدم ورود مراجع به این مسأله، خود یک پاسخ است. آقایان مراجع از این حرف‌ها و اقدامات سیاسی کم ندیدند که متوجه شوند دارد یک بازی سیاسی انجام می‌شود تا مراجع را به صحنه بیاورند. ببینید! امروز نظام بانکی کشور با مسأله قرض الحسنه بازی می‌کند. آیت‌الله جوادی‌آملی حتی نسبت به این قانون اساسی تأکید داشته‌اند و فرمودند این قانون شرعی نیست، اما چه کسی عمل کرد؟ کدام دولت این فتوای فقهی را دنبال کرد؟ یا در بحث مقاومت مردم و کشور، آیت‌الله جوادی‌آملی بارها واژه فقیر و معنای آن را در فرهنگ قرآن بیان کردند. فقیر در فرهنگ قرآن یعنی کسی که ستون فقراتش شکسته است، به تعبیر آیت‌الله جوادی‌آملی، فرد یا جامعه‌ای که فقیر است، به تعبیر قرآن به این معنی است که ستون فقراتش شکسته، در این صورت این فرد قائم بر مقاومت و استقامت نیست. اینها سخنان رسمی آیت‌الله جوادی‌آملی و دیگر مراجع است، اما حوزه سیاسی و اقتصادی ما تا چه حد بر اساس این فتاوا جلوبو شد؟ الان درباره قانون عفاف و حجاب به آقایان مراجع می‌گویند این قانون کشور است دیگر! در مسأله بانکداری آیت‌الله جوادی‌آملی می‌گفتند فتاوا این است، اما در جواب آقایان دیگر مراجع می‌گویند ما به فتاوا کار نداریم، ما به قانون کار داریم، شورای نگهبان هم تأیید کرده و ما هم عمل می‌کنیم؛ بنابراین، در آیت‌الله آقایان دستشان زیر سنگ است، مثلاً در جایی که دنبال فتوا هستند از آقایان مراجع کمک می‌گیرند، اما در جایی که خودشان می‌خواهند با نظر خودشان عمل کنند، بعضاً با فتاوی رهبر معظم انقلاب هم هماهنگ نیستند، اما می‌گویند قانون است و باید به آن عمل شود.

ایران این شائبه در جامعه ایجاد شد که وقتی آقایان مراجع مثلاًدر مورد قانون عفاف و حجاب اظهارنظر نکردند، به معنای سکوت توأم با رضایت آقایان است و این سکوت یعنی امر دینی عفاف و حجاب جرم انگاری شود. آن‌هم به این صورت، اما شما می‌فرمایید که در قم چند دیدگاهی درباره قانون عفاف و حجاب وجود ندارد؟ وجود ندارد. آنجا که گفته می‌شود سکوت علامت رضاست، در مقام اثبات است، نه در مقام سلب. در معنایی دیگر، وقتی می‌خواهند کاری را انجام دهند، مثلاً همین قانون عفاف و حجاب، آقایان مدعی می‌شوند این قانون باید به گونه‌ای باشد که این‌گونه الزامات را در نظر بگیرد، درحالی که پذیرش این الزامات برای آقایان مراجع مبنای فکری ندارد و چون مبنای فکری ندارد، نمی‌پذیرند. زیرا قانون؛ با منشأ دینی دارد یا منشأ مردمی و عرف. قانون عفاف و حجاب به این صورت، قطعاً منشأ عرفی ندارد. به این دلیل بر نداشتن منشأ عرفی تأکید می‌کنم آقایانی که قانون را به این



علیرضا معطریان / ایران

بررسی رابطه مرجعیت با سیاست، جامعه و ایران در ناگفته‌های دیدار رئیسی با آیت‌الله جوادی‌آملی

- گاهی دفاتر مراجع تحت فشار هستند که متن سخنان مراجع در
- قانون عفاف و حجاب مبنای فقهی و

گفت‌وگو

مرتضی کل‌پور
دبیر گروه سیاسی

با خواندن متن گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی جوادی‌آملی، تصویر متفاوتی از مرجعیت، روحانیت و حوزه‌هاوید داشت. این تصویر به این دلیل متفاوت است که نمایندگان این تفکر، این صدا و این رویکرد در مرجعیت و حوزه علمیه و فضایی حوزه، جای کمتری در تربین‌های رسمی بویژه صدا و سیما دارند. این تفکر یا صدا در مرجعیت و روحانیت، به همگرایی با جامعه و همراه بودن با مردم معتقد است، نه همراه کردن و ششاندن مردم

صورت تصویب کردند، مدعی شدند مسأله حجاب یک مسأله دینی و ضروری است. پس براساس این استدلال، موضوع اساساً چه عفاف ارتباطی ندارد. حتی اگر این آقایان بخواهند از عرف وام بگیرند، باز هم باید ببینند که اساساً عرف این رویکرد را قبول دارد یا نه. اما پس از عرف، اگر این قانون با تکیه بر نظرات فقهی حضور داشتند. وقتی ۷۰ فقیه با تکیه بر نظرات فقهی تصویب شده است، باید به کارشناسان فقه و حوزه ارجاع بدهند تا درباره آن اظهارنظر کنند. ببینید! درباره اصل شرعی بودن حجاب هیچ بحثی نیست. اما این‌که نمونه پوشش و الزامات پوششی تعریف کنیم و بگوئیم اگر آن نمونه یا الزامات رعایت نشود، جرایمی اعمال می‌شود، هیچ ریشه فقهی ندارد. نیازی هم نیست که حتماً به فتاوی مراجع بزرگوار رجوع کنید. شما در این زمینه نباید رأی فضایی حوزه را کم بدانید. وقتی به فتاوی مراجع بزرگوار رجوع کنید. شما در این زمینه نباید رأی فضایی حوزه را کم بدانید. این مسأله این است که در قانونگذاری نظرات آقایان مراجع هستند. مگر می‌شود شاگردی که چندین سال شاگرد استاد است، بوده و نظر مخالف درباره مصوبه‌ای می‌دهد، بگوئیم این صرفاً نظر خودش است؟ اما فضلای هم می‌گویند که ما نمی‌توانیم اسم این مصوبه را قانون بگذاریم. به طورکلی برای این‌که متنی را قانون بدانیم، معیارهایی وجود دارد که باید رعایت شود. این‌که چند نفر در کمیسیون چیزی را تصویب کنند، قانون نمی‌شود. شاگردان مراجع بزرگوار ما که شما اشاره کردید، این شاگردان درباره همین قانون با رویکرد مخالفت گونه‌ای سخن می‌گویند. مسأله این است که وقتی نظام قانونگذاری علمی و فقهی باشد، مسائل و حواشی از این دست به کنار می‌رود. مسأله این است که در قانونگذاری مبنایی و منابع باید مشخص باشد. شما بر چه اساسی چنین الزاماتی تعیین می‌کنید؟ آیا این الزامات شرعی چیزی را تصویب کنند، الزامات را می‌پسندد؟ آیا حقوق‌اندان این الزامات را تأیید می‌کنند؟ نه تنها این‌گونه نیست، بلکه می‌بینیم همه نهادهای مرتبط هم دراین باره موضع انتقادی می‌گیرند. باید به این نظرات و جایگاه‌های کارشناسی احترام گذاشت. باید مشخص شود که چند

حقوقدان رسمی کشور که صاحب نظر هم هستند، با چند تن از قضات عالی رتبه کشور در تدوین این قانون نقش یا تأثیر داشتند؟ پشت طراحی و تدوین این مصوبه بودند؟ این سؤالات بسیار مهم هستند. در فرآیند تدوین قانون اساسی، ۷۰ فقیه در مجلس خبرگان قانون اساسی حضور داشتند. وقتی ۷۰ فقیه هم‌چون آیت‌الله بهشتی در رأس این مجلس هستند و متن قانون را تنظیم می‌کنند، مردم هم آن را می‌پذیرند، چون مردم این شخصیت‌ها و جایگاه فقهی و حقوقی آنان را می‌شناسند. اما حالا بباییم این را با وضعیت تدوین قانون عفاف و حجاب مقایسه کنیم؛ ببینیم چه کسانی این قانون را نوشته‌اند؟ اگر گفته می‌شود این قانون براساس فقه و عرف است، باید مشخص شود کدام حقوقدان و فقیه یا کدام قانون شناسی آن را نوشته و اگر نوشته، نوشته او بر چه مبنایی استوار بوده؟ زمینه‌ها و مبانی حقوقی، عرفی، شرعی و فقهی این قوانین باید مکشوف و روشن باشد و اعلام شود که مستند به چیست. اما حالا، بگوئیم کدام یک از این مواردی که برشمردم، یعنی مبانی فقهی، شرعی و عرفی عفاف و حجاب برای مردم و جامعه روشن است؟ این‌که عده‌ای بنشینند و جملاتی را بنویسند و قواعدی را وضع کنند و آنها را کنار هم قرار دهند و در مرحله بعد هم بخواهیم با یک قیام و قعود به همه اعلام کنیم که این قانون است و تمام؟! این فرآیند و این وضعیت اصلاً شایسته جامعه و ملت ما نیست. اگر قرار بر این باشد که متنی واقعاً قانون باشد و همه مردم به آن احترام بگذارند، باید فرآیندهای مورد اشاره طی شود. در غیراین صورت طبیعی است که جامعه چنین برخوردی با این قانون داشته باشند.

ایران آیت‌الله جوادی‌آملی در دیدارها و سخنرانی‌های اخیر، بسیار از ایران و کشور و تاریخ ایران صحبت می‌کنند. بارها اعلام کرده‌اند مردم ایران بزرگ‌زاده هستند. ایران تاریخ دارد. این درحالی است که ما از دیگر علما کمتر درباره ایران سخنی می‌شنویم. چرا آیت‌الله جوادی‌آملی این قدر بر کشور و

سرزمین و تاریخ ایران تأکید دارند؟ ببینید! نمی‌توان واقعیت‌های جامعه را نادیده گرفت یا آن را کتمان کرد. گاهی از نظر فکری و ذهنی، اموری غالب می‌شود که باعث می‌شود انسان برخی چیزها را کمتر ببیند. سرتو آقایان مراجع در درس و بحث خود با آن سر و کار دارند، یا قرآن کریم است که دریایی از معارف است یا با کلمات معصومین علیهم السلام ارتباط دارند، از طریق کتاب‌های عظیمی چون صحیفه سجاده‌به و نهج‌البلاغه که به واقع، قدرت و غلبه بسیار سنگینی دارند و چشم انسان خردورز را می‌گیرند تا جایی که دیگر جایی برای توجه به دیگر چیزها باقی نمی‌ماند. اما وقتی مراجع ما از جمله آیت‌الله جوادی‌آملی بخواهند امور دیگری را ببینند، برآستی که آن را دقیق و تمام و کمال می‌بیند. از سوی دیگر، دیگران مخصوصاً جریان‌های انحرافی در نمایاندن مقابل اسلام قرار دهند. طبیعتاً این نمایش هم مذموم است. ایران همان است که شهید مطهری از خدمات متقابل با اسلام می‌گفت. این نگاه مبتنی بر خدمات متقابل اسلام و ایران، می‌تواند بیان‌کننده فرهنگ و نگاه عمیقی به نسبت و ارتباط این دو مسأله باشد.

ایران آیت‌الله جوادی‌آملی حتی به فردوسی هم اشاره می‌کنند و در سخنرانی برای فرماندهان عالی رتبه نظامی، اشاره می‌کنند که حماسه سربانی و حماسی دین را باید از فردوسی آموخت. بله. اما سؤال این است که این‌توجه دادن با چه هدفی صورت می‌گیرد؟ گاهی آیت‌الله جوادی‌آملی می‌فرمایند ما خودمان شخصیت‌هایی چون فردوسی و مولانا را رها کرده‌ایم و دیگرانی آنها را گرفته‌اند که متأسفانه با رویکرد مبتدلی به این شخصیت‌ها می‌پردازند.

ایران چه کسانی؟

کسانی که نه فردوسی و حافظ را باور دارند، نه ایران را و نه اسلام. آنان ظاهری از ایران را به تصویر می‌کشند. در تاریخ ما هم این